

مسأله موقوفات سیف‌الدوله در ملایر

محمد چگینی

شهرستان ملایر با مساحتی در حدود ۳۵۰۰ کیلومتر مربع در جنوب استان همدان قرار دارد و از غرب به تویسرکان و نهاوند، از شرق به اراک و از جنوب به بروجرد محدود شده است. محققین درباره وجه تسمیه این شهر بر این عقیده‌اند که در زمان مادها برای رساندن اخبار به مناطق هم‌جوار بر روی تپه‌ها آتش روشن می‌کردند؛ از این رو آن را «مل آگر» یعنی تپه آتش نامیده‌اند. شهر جدید ملایر تا قبل از سلطنت خاندان قاجار، از لحاظ تقسیم‌بندی در بین حوزه‌های تویسرکان، نهاوند، بروجرد و همدان تقسیم شده بود. البته این به آن معنا نیست که در منابع اصلاً ذکر از ملایر نیامده است؛ و حمدالله مستوفی مورخ بزرگ قرن هشتم، نخستین کسی است که در کتاب «نزهةالقلوب» هنگام بحث درباره اقلیم چهارم و تقسیم‌بندی نهاوند، از ملایر به عنوان یکی از دهستان‌های آن ولایت نام می‌برد. در این شهر آثاری باستانی وجود دارد که نشان از قدمت چند هزارساله منطقه است و این که در روزگارهای کهن پررونق و آباد بوده است. «تپه نوشیجان» در شمال غربی ملایر متعلق به دوره مادهاست و یکی از آتشگاه‌های معتبر قدیمی ایران باستان در آن قرار دارد. «قلعه یزدگرد» در مسیر جاده بروجرد واقع شده و نام یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی را بر آن نهاده‌اند. او در هنگام فرار به شرق چند روز را در این قلعه گذراند. از دیگر آثار باستانی که امروز فقط نام آن به جای مانده «قلعه چوبینه» است و قسمتی از شهر بر روی بقایای آن قرار دارد. این قلعه را بهرام چوبین سردار بزرگ ساسانی بعد از غلبه بر خسرو پرویز، بنا نمود و جشن بزرگی در آن برپا کرد. چوبینه تا زمان تأسیس «دولت آباد» پر رونق بود و با تأسیس شهر جدید، مرکزیت به آنجا منتقل شد.

از منطقه ملایر، تا زمان سقوط صفویه و تسلط افغانه بر اصفهان نامی در میان نیست. در دوره صفویه هم مدتی تحت اختیار ترکمانان بود و در دوره‌ای هم جزء قلمرو حاکمان لر بوده است. در دوره نازاری قبل از ظهور نادرشاه افشار یکی از خوانین محلی به نام مهدی خان زند(توشمال مهدی) - جد کریم خان زند- اداره امور را به دست گرفت؛ اما با روی کار آمدن نادر او هم مانند سایر مدعیان قدرت سرکوب گردید

و خاندانش به خراسان تبعید شدند پس از مرگ نادر و در دوره آشفتگی‌های دوره عادل شاه، کریم خان و برادرش صادق به همراه طایفه خود به زادگاهشان در کمازان ملایر بازگشتند و برای مدت کوتاهی آنجا مرکز ثقل قدرت خان زند بود. کریم خان بعد از منکوب کردن مخالفان و تأسیس حکومت خود، بنا به دلایل سیاسی و سوق‌الجیشی مرکزیت را به شیراز منتقل کرد.

با روی کار آمدن قاجاریه صفحه جدیدی در تاریخ ملایر گشوده شد. فتحعلی شاه قاجار در دوره ولایتعهدی «مریم خانم» دختر شیخ علی خان زند را به عنوان همسر چهارمش به عقد خود در آورد. ثمره این ازدواج تولد فرزندی بود که به احترام پدر مادرش او را «شیخ علی خان» نامیدند. در سال ۱۱۸۸ خ. مریم خانم از فتحعلی شاه درخواست کرد تا به او و فرزندش اجازه بدهد به زادگاه آبا و اجدادش در ملایر باز گردد. شاه ضمن موافقت با این تقاضا به فرزندش محمد علی میرزا دولتشاه -حاکم کرمانشاه- دستور داد تا برای رفاه بیشتر شیخ علی خان اقدامات لازم را انجام دهد. دولتشاه با مسافرت به منطقه در کنار قلعه زندیه و چوبینه، شهر جدید «دولت آباد» را بنا کرد و توپسراکان را ضمیمه آن نمود و اداره آنجا را به شیخ علی خان سپرد. شهر جدید دارای بازار، مسجد و یک قصر کوچک برای اقامت حاکم جدید بود. همچنین چند خانواده از جمله اجداد صارمی‌ها و ملک مدنی‌های امروز را به آنجا منتقل شدند. شیخ علی توسعه منطقه تحت نفوذ، اقدامات عمرانی انجام داد که مهمترین آن ساختن یک کاخ مجلل به نام «آئین بهشت» بود. این کاخ در اثر توسعه شهر در اوایل دوره پهلوی از بین رفت و چیزی از آن باقی نماند. شیخ علی جهت در سال ۱۱۹۷ خ. لقب شیخ‌الملوک را برای خود برگزید. او در دوره زمامداریش در حق مردم ظلم بسیار نمود؛ همین امر اعتراض مردم را برانگیخت و عده‌ای از آنها در سال ۱۲۱۰ خ. هنگام سفر شاه به اصفهان، شکایت از فرزند را پیش او برده و تقاضای رفع ظلم کردند. فتحعلی شاه شیخ علی را خلع و دستور داد تا اموالش را بازرسی و مصادره نمایند. البته او بعد از مدت کوتاهی با امضای یک مصالحه‌نامه با مردم بار دیگر به مقام خود بازگشت. در دوره محمد شاه با آنکه به شاه جدید اعلام وفاداری کرد، به دلایل نامعلومی به تهران فراخوانده شد و دیگر اجازه مراجعت به ملایر را به او ندادند. او تا سال ۱۲۲۵ خ. زنده بود؛ اما در دوره غیبت او فردی به نام بهمن میرزا اداره امور را در دست گرفت. در اوایل دوره ناصرالدین شاه «هالو صادق خان» فرزند شیخ علی به حکومت ملایر منصوب شد.

کسی که بیش از هرکس دیگر در توسعه و عمران شهر کوشید، شاهزاده سلطان عبدالمحمد میرزا معروف به سیف‌الدوله، نوه فتحعلی شاه و فرزند عضدالدوله بود که جانشین میرزا ابولقاسم خان نوری از نزدیکان کامران میرزا شد. او برادر بزرگتر عبدالمجیدمیرزا عین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه بود. سال تولد او مشخص نیست اما ظاهراً در سال ۱۲۶۱ خ. لقب سیف‌الدوله را دریافت کرد. در سال ۱۲۵۱ خ. به سمت نیابت تولیت آستان قدس منصوب شد؛ اما یک سال بعد از این مقام معزول و به سمت ژنرال آجودانی مخصوص ناصرالدین شاه تعیین گردید. در سال ۱۲۶۲ خ. به حکومت ملایر منصوب شد اما به علت ظلم بیش از حد در سال ۱۲۶۹ خ. برکنار و برای مدت کوتاهی حاکم همدان، استرآباد و خوزستان شد. این که

او فردی نیکوکار، مذهبی و در عین حال سخت‌گیر و سنگدل بوده، امری مسلم است (سند ش ۵) و موقوفات و اقدامات عمرانی‌اش باعث شهرت او در منطقه گردید. او در مدت زمامداری‌اش، قسمت وسیعی از املاک خالصه دولتی را خرید و به نام خود کرد. در سال ۱۲۶۵ خ. در شمال شرقی ملایر در دامنه کوه گرمه یک پارک و مکانی تفریحی بنا کرد و برای آن که آنجا را به یک تفرجگاه تبدیل کند، تلاش بسیار کرد. او چندین ساختمان جدید در داخل و اطراف آن احداث نمود و در آنجا برای فرزندان رعایای خود مدرسه‌ای بنا کرد. این پارک را امروزه به نام او «سیفیه» می‌شناسند. علاوه بر این او از مریدان صفی علی شاه بود و ظاهراً خانقاه صفی در تهران یادگار اوست و مخارج آن از موقوفات سیف‌الدوله تأمین می‌شد. سیف‌الدوله چندین مریض‌خانه و مسجد هم بنا کرد؛ و مسجد اقصی در شاه‌آباد تهران هم یادگار اوست و در وصیت نامه خود ثلث املاکش را به تأمین مخارج آنها اختصاص داد.

برای سیف‌الدوله، انقلاب مشروطه همانند سایر شاهزادگان قاجار خوشحال‌کننده نبود و با اقداماتی که انجام داد عملاً در برابر مشروطه خواهان قرار گرفت. در سال ۱۲۹۰ خ. درست زمانی که سالارالدوله در غرب کشور سر به طغیان برداشت، سیف‌الدوله به ملایر بازگشت و با او متحد شد. سالارالدوله در هنگام حرکت به طرف همدان چند روز مهمان حاکم ملایر بود؛ در مدت اقامت ده روزه‌اش در آنجا ابتدا با دختر جلیل‌الدوله فرزند ارشد سیف‌الدوله ازدواج کرد و سپس عباس‌خان چناری و ولی‌خان پسر والی پشتکوه از ظالمان روزگار را مأمور جمع‌آوری مالیات ملایر نمود که آنها از هیچ ظلمی در این راه خودداری نکردند. سالارالدوله هنگام عزیمت به همدان دست به عزل و نصب‌هایی زد و سیف‌الدوله به حکومت عراق (اراک) و جلیل‌الدوله را به حکومت ملایر گماشت. بعد از شکست سالارالدوله شورشی، نوبت به متحدانش هم رسید؛ در نتیجه حمله قوای دولتی به ملایر، پارک آسیب فراوان دید و سیف‌الدوله و فرزندانش به اتهام همکاری در این طغیان مورد تعقیب قرار گرفتند. با دستور رئیس دولت، کلیه اموال او در تهران مصادره شد. سیف‌الدوله که در این جنگ، قدرت و قسمتی از اموال خود را از دست داده بود، چاره‌ای نداشت جز اینکه برای نجات خود و خاندانش به صمصام‌السلطنه - نخست‌وزیر وقت - متوسل شود. صمصام عذر خواهی او را پذیرفت و در ازای پرداخت جریمه سنگین بار دیگر به حکومت ملایر منصوب شد. سیف‌الدوله که از مبارزه سیاسی نه تنها چیزی به دست نیاورد بلکه قسمتی از اموالش را هم از دست داده بود، تصمیم گرفت بار دیگر به فعالیت عمرانی روی آورده و هم خود را صرف برنامه‌های ناتمام گذشته نماید. از این رو پارک را مجدداً تعمیر نمود و در آنجا مقبره‌ای برای خود بنا کرد.

از وقایع مهم اواخر زمامداری وی، اشغال نواحی غرب در جنگ اول جهانی توسط نیروی کشورهای متخاصم بود. در سال ۱۲۹۵ خ. نیروهای روسیه در تعقیب کلنل محمد تقی خان پسیان و دیگر آزادی‌خواهان ایران به همدان آمدند و تا ملایر هم پیشروی کردند. به گفته ابراهیم صفایی قشون روس دو نفر از مالکان این ولایت را به اتهام همکاری با پسیان اعدام کردند. سیف‌الدوله که تاب مقاومت در برابر روس‌ها را

۱. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۷، کارت ۱۲۵، جزوه دان ۳۰/۱، پوشه ۱۴.

نداشت، با آنها با مسالمت برخورد کرد تا از وارد آمدن آسیب به منطقه جلوگیری کند. با وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و عقب نشینی نیروهایشان ایران، فرصت برای خودنمایی عثمانی‌ها فراهم شد آنها که تا همدان و ملایر پیشروی کرده بودند، سیف‌الدوله را به اتهام همکاری با روس‌ها بازداشت و به همدان تبعید کردند اما بعد از مدت کوتاهی آزادش نمودند. اندکی بعد از این وقایع، شاهزاده قاجاری در سال ۱۳۰۰ خ. دار فانی را وداع گفت. فرزندش، امیر مؤید او را در محل پارک سیفیه دفن کرد و اداره امور را به دست گرفت. سیف‌الدوله قبل مرگش وصیت‌نامه‌ای تنظیم کرد و صدرالممالک از رجال قابل اعتماد را موصی خود قرار داد. با توجه به اسنادی که در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی^۱ وجود دارد عمل به این وصیت‌نامه و اختصاص ثلث درآمد موقوفات به تعمیر قنات پارک، خانقاه و مریض‌خانه همواره باعث چالش‌هایی بین ورثه، موصی، زارعین و دیگر اهالی ملایر شده است. امید است این مقدمه و اسنادی که در پی می‌آید فتح بابی برای علاقمندان به تاریخ زادگاه کریم خان زند گردد تا به تحریر تحقیقاتی در این زمینه به ویژه دوره شیخ علی خان و سیف‌الدوله بپردازند.



۱. دوره ۴، کارتن ۶۰، جزوه‌دان ۲۹/۲، پوشه ۶ و ۸۶.

۲۹
۱۴۱۸

۱۳۰۲/۲/۲۷

شماره ۱۱

شماره کتاب ۱۱۹۵

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

Model 16


شماره ۱۳۰

انواع	نمره قبض	۷۹۰	عدد کلمات	۴۶۵	تاریخ اصل	۲۴	توضیحات	تاریخ وصول	۲۵	اسم گیرنده	الحج
ب ط	نمره تلگراف	۸۹									

بمقام منبع ریاست و ذرا عظیم کسبه وزارت حلیه معارف اوقاف پسته
 احکام تقدیر شود بر عینه استبداله ارکانه باریک احمدانی در محوم حاج سیف الدوله
 که فیض حقیقت باریک علی و تقوی حاج محمد میر است و برادر اصغر عالق مانع
 ندانسته و ندارد ما حقیقتاً قطعه دیگر زمین آب در زینت خود اختصاص
 داد حضرت آقا رضا الهالک و در صی که از خیال برادر است که خطم
 اولاد دولت بجزئی مستحق است چرا حفظ و بقای آن اطلاق است را
 بکنات آقا را هم آقا تاجر که از محرمین است اجاره داد حقیقتاً
 استیضاح معلوم حال که قصد خرابی این باریک علی را دارند و میخواهند محل
 را بشیر عمود بر این مصالح و غیره قرار دهند بعضی تشنات نموده و از قرار
 سهوخ بر علیه اجاره خنات آقا را هم آقا تشنات فی نزه کرده اند افزای الهاد


۳۰
 ضبط کتب
 ۵۵۲۶

پیام بهارستان / د. س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

Model 16				نومره ۱۶	
نومره کتاب		اداره تلگرافی دولت علیه ایران		سنة ۱۳۰	
از ملا	نومره بیض	نومره بیض	عدد	تاریخ	تاریخ وصول
به ط	نومره تلگراف	نومره	کلمات	اصل	اسم گیرنده
	۸۹		۴۴۵	۲۴	۳۵
		توضیحات صفحه		۶۱	

خود آنها غرض ورز و سود قصد را میرسد ندوله لزوماً تصدع است فقط
 نظر بر آنها دشمن با اولاد مردم صاحب سیف الدوله و مخالف است
 که میخواهند این باغ بی را خریدند دولت دولت را تصدیق نمایند نگاه
 قدر بر عاقبت و علمای حیدر آباد صاحبان المصالحه ارجح
 فرستید صدق و افضله را لویان محقق خواهد شد در این صورت تصدیق
 اظهارات بنظر آنها را آورد که توجه قرار نداد راضی نشود بلکه
 عمداً از او منع میشوند علت فرزند نفوس معلوم خود و از بیان برود
 علاقه بدان بی شک مردم صاحب سیف الدوله عموم آنانی ملا شیخ احمد
 صاحب معین التیارات مولانا عبداللطیف آقا سید صادق حسین صاحب میرزا
 محمود حاجی محمد شفیع حاجی سید محمد تاج امین تاجر مولانا زاده غلام حسین
 میرزا اسماعیل صاحب محمد صادق احمد خان میرزا جان تاجر میرزا اسماعیل تاجر حاجی
 ابراهیم تاجر آقا سید صفدر تاجر آقا سید حنفی تاجر حاجی میرزا احمد تاجر حاجی

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۰، ش ۷ / بهار ۱۳۸۹

Modelle 16				نمره ۱۶۰	
تاریخ وصول		تاریخ		نمره قبض	
نام گیرنده	تاریخ وصول	توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	نمره تکرار
الح	۱۳۰	ص ۱۱	۲۴	۱۱	۱۹

خان حاجی سید اله تاجر آقا صدر تاجر میرزا احمد خان آقا حسین تاجر
 حاج خدا داد تاجر تقی خان محمد علی خان محمد ولی تاجر علی تقی آقا محمود
 اسعد خان حبیب اله تاجر آقا سید تقی اسعد تاجر آقا سید ابراهیم
 آقا علی تاجر میرزا محمد حسن آقا محمد ابراهیم احمد خان اسعد خان
 میرزا اسعد حاجی اسعد حاجی محمد صادق محمد آقا سید آقا قائم
 علی نور علی آقا عبدلی تاجر آقا محمد حسین سید شریک آقا محمد خان
 آقا محمد حسین محمد ابراهیم آقا سید صدر تاجر حاجی اسعد الهی حاجی
 اسد اله آقا رحیم آقا سید اسد اله آقا محمد تاجر آقا حاج سید اسعد حاجی
 حسن محمد احقر مصطفی ولی الله تقی محمد خان محمد رضا خان اسعد محمد
 تاجر ابراهیم خان میرزا محمد تاجر محمد تاجر محمد خان محمد علی خان



بنال جامع علوم انسانی

سند شماره ۱

اداره تلگراف دولت علیه ایران

از: ملایر

به: ط

۱۳۰۱/۴/۲۴

مقام منبع ریاست وزرا عظام کپیبه وزارت جلیله معارف اوقاف، کپیبه مجلس شورای ملی شیداله ارکانه پارک احدائی مرحوم حاجی سیف‌الدوله که در حقیقت پارک ملی و تفریح‌گاه عمومی است و برای احدی عایق مانع نداشته و ندارد با چند قطعه دیگر زمین آب برای ثلث خود اختصاص داد حضرت آقای صدرالممالک وصی که از رجال بزرگوار است که خاطر اولیاء دولت به خوبی مستحضر است برای حفظ و بقای آن املاک ثلث را به جناب آقای هاشم آقا تاجر که از محترمین تجار است، اجاره داده. چند نفر اشخاص معلوم الحال که قصد خرابی این پارک ملی را دارند و می‌خواهند محل آسایش عمومی را مرکز فجایع و غیره قرار دهند، بعضی تشبثات نموده و از قرار مسموع بر علیه اجاره جناب آقای هاشم آقا تلگرافی مخبره کرده اند آخر چه اظهارات خود آنها غرض ورزی و سوء قصد را می‌رساند ولی لزوماً مصدع است فقط نقطه نظر آنها دشمنی با اولاد مرحوم حاج سیف‌الدوله و مخالفت عمومی است که می‌خواهند این باغ ملی را مخروبه دولت و ملت را متنفر نمایند. هرگاه قدری به سابقه و عملیات چندین صاحبان امضاء تلگراف مراجعه فرمائید صدق عرایض دعاگویان محقق خواهد شد. در این صورت مستدعی است اظهارات مغرضانه آنها را مورد توجه قرار نداده راضی نشوید ملکی که عموماً از او منتفع می‌شود به علت قرض چند نفر معلوم مخروبه و از میان برود [با امضای] علاقمندان به ثلث مرحوم حاجی سیف‌الدوله [و] عموم اهالی ملایر شیخ الاسلام حاجی معین‌التجار، اسعد السلطنه [و ۴۰ نفر دیگر]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



معانیست اینست که در این صورت ...

در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...
 در این صورت که در این صورت ...

۱۳۸۹

پیغام بهارستان / ۲، ۳، ۲، ۲، ش ۷ / بهار ۱۳۸۹

و بعد از اینان بنده با او شکر مکره نام و مدح و تحسین و حمد
 در بهانه در ۲۵ نامه در حضرت در آن واقع شد قولا و فاعلا شروع
 خواهد که در بازمانده ای چشمه و کند بر آب در چوب مزبوره
 کند و این را که در ایام او مکتوبه خط نوشته شد در حضور آرزو محبت
 و توفیق نموده در این روز در مکه در در آرزو داد
 و حبس در این است که در جرئت دفع شکر آرزو در آرزو
 کتب و دست کت و اگر صحت شکر در این به تو بیامد و حق
 نیز نفع شد و تقویت نیک و در آرزو در معارف و آرزو
 تشریح نمود و بنور در دولت خود بود با آرزو و آرزو
 در آرزو در آرزو مع که در آرزو که بر هر موزه آرزو
 در آرزو در آرزو مصارف خیرات با تو شروع شد که آرزو
 طرف ثبات و محقق عبادت خود که آرزو از آن در حقیقت تولد شده
 غیر از این است علی و آرزو از آرزو بود و در آرزو که در آرزو
 بعد از این است که آرزو از آرزو تمام کفر عبادت در آرزو
 در آرزو حقیقت در آرزو که در آرزو در آرزو در آرزو
 ۱۳۸۹ / ۲۵ / ۲۰ ش ۷ / بهار ۱۳۸۹

با آرزو در آرزو در آرزو در آرزو در آرزو در آرزو

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۰، ش ۷ / بهار ۱۳۸۹

سند شماره ۲

[۱۳۰۱/۴/۲۵]

مقام منبع ریاست محترم مجلس مقدس دارالشورای ملی دامت شوکته

آقای صارم السلطان و بعضی از اهالی ملایر با تلگراف کپیبه به آن مقام منبع [تقاضای] رسیدگی نموده‌اند که املاک ثلث مرحوم مبرور حاج سیف‌الدوله را بنده به جناب آقای هاشمی در پنج هزار و پانصد تومان اجاره داده‌ام و بعضی هستند تا ده و دوازده هزار تومان اجاره می‌نمایند [و به آن] ایراد نموده‌اند که چرا اخبار مزایده داده نشده است این است برای اطلاع خاطر محترم تصدیق می‌دهد بنده چندی که در ملایر بودم صورت منافع و عمل املاک ثلث ملایر را که چهار فقره است از آقای منشی نظام که چهارده سال بیشتر است متصدی کلیه امور مرحوم [ناخوانا] سیف‌الدوله بوده خواستم در چهار هزار و سیصد تومان عمل آن را معلوم نموده و از هر کس که استفسار کردم خدا شاهد است بیشتر از پنج هزار تومان نگفتند و قبول نکردند در سنه ماضیه املاک ثلث و املاک ورثه را منشی نظام مداخله داشته و خانقاهی که از وصایای آن مرحوم است و باید سر مقبره ساخته شود و بنده تأکید نمودم عالی ساخته و تمام است حساب باقی سنه ماضیه را تاکنون نفرستاده که معلوم شود خرج و عایدی سنه ماضیه چه مقدار است در دو سه ماه قبل آقای هاشمی که از تجار معتبر متدین آن صفحه است به تهران آمده املاک ثلث را به مبلغ پنج هزار و پانصد تومان اجاره نمود تا مدتی که معزی‌الیه در تهران بودند، ابتدا کسی حرفی نگفت تلگراف و مراسله هم مخابره و ارسال نداشتند بعد از حرکت ایشان این تلگرافات می‌شود، بنده با آقای صارم السلطان که تلگراف به امضای ایشان و چند نفر دیگر می‌شود خصوصیت دارم به توسط حکومت تلگرافی نموده که سواد آن را ملاحظه می‌فرمایند. جوابی که باید بدهند مستاجر کیست و تأمین چیست که به قرار اطمینان بنده با آقای هاشمی مذاکره نمایم و به اطلاع حضرت حجه الاسلام آقای بهبهانی اجاره نامه در محضر ایشان واقع شده قرار قاطع مشروع داده شود جوابی که داده‌اند باز همان کپیبه و تکذیر است که چرا مزایده اخبار نکرده‌اید سواد جوابیه آنها را ملاحظه می‌فرمایند که مقصود از مزاحمت دوستی و دشمنی است که فی ما بین دو دسته در ملایر برقرار است و الا جواب ساده این است که مستاجر کیست و ضامن معتبر او در تهران کیست و چه کسی است و اگر صحت داشته باشد که اجاره را به این مأخذ اضافه نمایند و منفعت بنده است که وصی هستم و معارف خیریه آن بیشتر می‌شود و بنده در وسعت خواهم بود بالاختصار جسارت شد رای آنچه توانیدش حکم آنچه تو فرمایی به هرچه مقرر فرمائید اطاعت است. در خاتمه جسارت می‌نماید مصارف خیرات باید مشروع باشد مسئله مزایده از طرف اشخاصی که محض عداوت و خصومت با مستاجر زیاد می‌نمایند [در اصل حقیقه] ندارد اضافه غیر مشروع است غبن و غرض از برای موجد موقعی است که تحقق منافع و عایدات بشود بهتر این است اگر اجازه فرمایند معین نمایم یک نفر عایدات هذه سنه این املاک را از روی حقیقه معلوم نمایند چنانچه غبن وارد شد به طریق شرع معمول خواهد شد. الله شفیع الحقیق.

بلاف حوت ادس افرخ شاهزاده سیدال میرزادام اجله

شماره ۱۱۱۱

حضرت مبارک و کلا حرم مجلس شورا طایفه الی اگاسته مروض سید اردو اینز کینه ذاب عمده زود
حاج سیف الدوله در سه نوبه طلب از حضرت ارفخ شاهزاده ملک مسطر هتم اولاً ایکه نسج مکرود

رضی
۱۳۸۹

۱۳۸۹ در وقت در راه و در مصروفیت آثار صوره ملک در راه مسافه کینه برانیک

۱۳۸۹

مجموعه شاهزاده هزود میت نام برانیم و اجماع ارفخ در عیادت آخری تم ارفخ حرکت بنماز

هت شاهزاده اود نظام قم سید هم دارش از نواب و حمایت سرش و مومر اطلاع داشته باشد

عیادت آثار صوره ملک سال گذشته ظاهر شریف اوده و از تمام مزدکات شاهزاده علم

مغول و عجمه مش مروضه نموده و برده و بجا املاک سموره و اراک عیادت و باغات و اشجار و پابک

داشت در راه و ادر آنچه فریاد زدم آثار صوره ملک بچه دلیل املاک مخصوصه داشت قرار سید هر که با عت

مردم کینه کرد از نمیه هوای آنها جواب فرموده و میت نام نوشته مطالبه و میت نام را کردم بیع

گذاشت و نیز ملاحظه کردم مقصود است که بر فرض صدق و میت ارکشت تمام مزدکات منظر

بهم بریزد آثار صوره ملک املاک مخصوصه سموره را مروضه نموده که باعث خرابی کینه کرد از نمیه

و اراک املاک مخصوصه مروضه منظر بهم برانزدکات و منقولات و نقد و وجه امانات

بسم الله الرحمن الرحیم
صورتی
۱۳۸۹

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

اینست بردن یا بایه نشین موقوفات ایس به بد بکینه یا اینکه نشین موقوفات و اشجار بارک و غیره را
 و اینم در صورتی میباشد که حضرت اقدس و اولادش از اهلیان یزیداد حضرت مستطاب آن نام را
 و کار شیخ الاسلام نایبه کان عثمان و ولایات ثلاث و صیت همرا ملاحظه و تصدیق بنویسند و حضرت او
 و هر چه این ذوات مدینه تصویب فرموده اند که عرض مدام عرض دادم ایکنه در جم شایه در شب هر چه
 با چاه به هزار تومان وجه نقد پیش حاج میرزا علی آقا میر تقی میره داده در این مدت آنچه آنکاره مالک مط
 توسط حضرت حمزه الاسلام نایب شیخ ابو القاسم حواله قبا و اب فرموده بهار و شش و ادا در وقت
 داده بیست شتار اقم سیم بهام صد سین و صد سات عام در صورتیکه کند و صیت همرا اینم کلام شش و
 در حق تصویب بام شش موموم و در حق بهرول باغ حق معلوم نیستند در اینم موموم هم صد شتار بنویسند
 که حق کند و اجه شش عرض سوم ایکنه بر حسب حکم حضرت امیر یزید نایب حاج شیخ عبدالکریم حق الهامین
 بر در حق شش بجهن املاک سوره از بنز موموم سال و شش شتار اجه موموم و در شتار بنز موموم
 حق دارد سجد نشین کند بنویسند بر حسب حکم الله حق کند و اجه شش که سجد اسمال ایرانی

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

شرح
 ایام و پناه سلین و سلامت بچی امام زمان جهت یوسیه مطهر باستم ان یوسیه با ایام حقوق
 در ام شمار ایام هفتس اما انان قبل از روز قسم میدهم عطف نظر بر نامه احقاق حق کینه را
 با
 کسر صد المملک بصد بفرمایند کینه از خوار به فنا هستم و اله اعظم کافی یک در آن فرج میدهم و سوره
 پیام با لاک اس که حق حقه هفت پیش آجر قیصر منه مطهر ام کامله از ذات سده نه هستم کینه



ز اب عدله زوجه مردم حاج شیخ المصطفی

۱۳۸۹
 ۲۵
 ۲۴
 ۲۳
 ۲۲
 ۲۱
 ۲۰
 ۱۹
 ۱۸
 ۱۷
 ۱۶
 ۱۵
 ۱۴
 ۱۳
 ۱۲
 ۱۱
 ۱۰
 ۹
 ۸
 ۷
 ۶
 ۵
 ۴
 ۳
 ۲
 ۱

سند شماره ۳

به الطاف حضرت اقدس ارفع شاهزاده سلیمان میرزا دام اقباله [۲۸ سرطان ۱۳۰۱]

حضور مبارک و کلام محترم مجلس شورای ملی شیداله ارکانه معروض می‌دارد این کمیته نواب علیه زوجه مرحوم حاجی سیف‌الدوله سه فقره مطلب از حضرت اشرف آقای صدرالممالک متظلمه هستیم اولاً این که مسموع می‌گردد شاهزاده مرحوم وصیت نمود و ثلث قرار داده و وصی مصرف ثلث [را] آقای صدرالممالک قرار داده متاسفانه کمیته بعد از یک سال و نیم فوت شاهزاده هنوز وصیت نامه را ندیدم و عجباً اشراف در عملیات آخرتی هم اشرافی حرکت می‌نمایند ممکن هست شما را به خداوند عالم قسم می‌دهم وارث از مراتب وصایت موروث و موصی اطلاع نداشته باشد. خلاصه عملیات، آقای صدرالممالک سال گذشته [به] ملایر تشریف آورده و از تمام متروکات شاهزاده اعم از منقول و غیره ثلث موضوع نمود و برد و بعد املاک معموره دارای عمارات و باغات و اشجار و پارک را ثلث قرار داد و آنچه فریاد زد آقای صدرالممالک به چه دلیل املاک مخصوصه را ثلث قرار می‌دهید که باعث محرومی کمیته گردد از ثمینه هوایی آنها جواب فرمود وصیت نامه نوشته، مطالبه وصیت نامه را کردم به دفع الوقت گذشت و هنوز ملاحظه نکردم مقصود آن است که بر فرض صدق وصیت اگر ثلث تمام متروکات منظور شاهزاده بود پس چرا آقای صدرالممالک املاک مخصوصه حموره را موضوع نمود که باعث حرمان کمیته گردد از ثمینه آنها و اگر املاک مخصوصه موضوعه منظور بود چرا از متروکات و منقولات و نقدی و حیوانات و اثاث البیت بردند یا باید ثمینه منقولات را پس بدهد [به] کمیته یا اینکه ثمینه عمارات و اشجار پارک و غیره را مرحمت بفرمایند و این در صورتی میباشد که حضرت اقدس والا شاهزاده سلیمان میرزا و حضرت مستطاب آقای ناظم العلما و آقای شیخ الاسلام نمایندگان محترمان ولایات ثلاث وصیت نامه را ملاحظه و تصدیق بفرمایند صحه او را و هر چه این ذوات مقدسه تصویب فرمودند کمیته عرض ندارم. عرض دوم اینکه مرحوم شاهزاده قریب دوهزار تومان یا چهارهزار تومان وجه نقد پیش حاجی میرزا علی تاجر قیصریه دارند در این مدت آنچه از آقای صدرالممالک مطالبه نمودم توسط حضرت حجه‌الاسلام آقای شیخ ابوالقاسم سلمه‌اله تعالی جواب فرمودند بعد از وضع ثلث و اداء قرض حق شما داده می‌شود شما را قسم می‌دهم به تمام مقدسین و مقدسات عالم در صورتی که وصیت نامه را ندیدم کدام ثلث و کدام قرض را تصویب نمایم. ثلث موهوم و قرض مجهول مانع حق معلوم نمی‌شود در این موضوع هم عنایتی بفرمایید که حق کمیته داده شود. عرض سوم اینکه بر حسب حکم حضرت آیت اله یزدی آقای حاجی شیخ عبدالکریم مع‌اله المسلمین به طول قائمه بر فرض صحت ثلث بودن املاک حموره از بز [قاعد] موجود سال فوت شاهزاده عموم ورثه از بز هنگام فوت حق دارند منجمله ثمینة کمیته مقرر بفرمایید بر حسب حکم الهی حق کمیته داده شود ای کعبه آمال ایرانی ای ملجأ پناه مسلمین و مسلمات به حق امام زمان جهت یومیه معطل هستیم نان یومیه با این حقوق مشروع ندارم شما را به مقام مقدس امام زمان عجل اله تعالی فرجه قسم می‌دهم عطف نظری بفرمائید و احقاق حق کمیته را بفرمائید. آقای صدر الممالک تصور بفرمایند کمیته از فقراء خانقاه هستیم واله العظیم تعالی یک قران فرع می‌دهم و مصرف معاش می‌نمایم با کمک امساک و حق حقه خود پیش تاجر قیصریه بنده منتظر مراجع کامله اندوات مقدسه هستیم کمیته نواب علیه زوجه مرحوم حاجی سیف‌الدوله [با مهر نواب علیه]

صفحه ۲

کلیات بدو رسیده است. حاشا که معین کنیم و در صدر الما کتب را که صدقه است
امانت و در پشت آن در پشت کلاه است در حقیقت معلوم در نهاده است و در قرائت
در سه تا هیئت است که در اول و در ثانیه و در سیم خوانده و خوانده و خوانده و خوانده
مخارج لازم که معروف بنام ستر (حاشا که) و تکمیل شده با کتب را ستر -

در این بسته تا رسیدیم تا آنجا که در دارالاستاد است که در دارالمجاهدین و طریقی
کبارت امور حیات و معاش نباید ثبت بدو در با اینها نمودن هیچ گزارش
(که کمر آرد غیر ما نیست) در دست ستر در دفتر حضرت سکتاب قلم
البرسم تا در هیات طهرانی دست بر آید امانت نماید -

پس از تصرف و بعضی مدت همراه از تاریخ اعلان در آستان و در مدت سه در دو بیت
موقوفه تا آنکه در هیئت آستان یک کتاب خوانده که کتب است که در آن
اجاز بر آنست تا غیر از آنکه امانت است که در حدود نامه و قبول بعضی امور است
بعد از صرف و عطف ثبت که تا رعایت نمی بیند نظر مقام وزارت جدید معارف
تعمیم که تا در غیر ثبت مرحوم حاج یوسف لاری در نصف مسأله جان مفروضه
قبول و اعلان نماید -

قطعات جدید معارف هم کتب است که در ثبت خود در وقت ثبت غیر از
نومر و در حقیقت و در صورت معینه منظور مومر جوانی و نظیر آنها
موقوفه که به آن موقوفه الما کتب را در همه نامه به آن موقوفه را مورد قبول
واقع شد و معاینه احوال خود را - در این اوقات باید (تا رسیدیم) که
همان جوانی و کتب است که بدون مراجعه بعد از این موضوع و کتب کتب از
وزارت برسد و بدون عذر در هر قفسه که آیا ممکن است در مملکت رسد

چنین نامه لازم تر از آنکه خود را بخواند (مطرح لا جان) خود را در این موقوفه

مقدمه ۴۰

دلم و درین قوه و نظیر و نسبت با خود بنظر و مظهر اولی مستحق به ثقت را توقیف
 نمایند - معلوم است از این اقدام چه تصور خدایت شود متوجه ما چه باید خواهد بود -
 تا این که هر چه در برابر گردش اجاره و بیمه خانه بقیه به بکار هر دو نفر بجز این روزها
 از اینها در جهت جور رفیق و شریک بر آنرا نشتر نفر را بود بر تقیم احوال و تکلیف
 در عمر گذر زحم تقب و ناظم نگارین و غیره با آنها دلم و با خود بر مرگ نمایند -
 تا این که تا به تازین تاریخ است نشسته و میدیدنا کار را در ذات میزد بر ارض
 برشته و دلم و نظیر است که آنرا در ذات مدارف را بر زمین است و است آنچه در
 تا در صورت امکان و نظر من می شود میدیدند - در آنجا که مدارف هم بجز اینها
 از مخرج و اطلاع از حال و کار متوجه چه میدیدنا کار را در ذات را در مکتوبات
 خود بر آنه توپخ و ام الکلیه دانم بر هم دخالت در امور نشسته میکنند -
 تا این که تا در مکتوبات (تبریز و مشهد تشریف) رقبات شدت را کسک طعن خوردند
 خود میدیدنا که در آن طبع را برابر مردان و خوردن شدت - تشریف باید نفر
 نسبت الامر از جور ایست آن امر است نماید - تشریف باید گفتال به جهت
 مدتیام در خوانند آن در مورد تشریف شدت - تشریف است بر آنکه چیز زمان
 در میان آن در مکتوباته عالیجه و زیر آنه توند - تشریف باید روح مهم صاحب
 یف ایدوم را تا در خوش نود نماید - نیز کلمه هر غیر چهار غیر این خود
 بقیم کلمه لطف کار؟ رخود و من برد خست فروز خود را از عاید رفت
 دلم بگریه بر هدف اظهار دلست خود را را کاه و تا تویین توقیف
 (تبریز هم از مکتوبات) را عودت کلمه در از حالت طبع خارج تشریف
 خود را متواتر آن کثیر و در اظهار نفس قیفه منقول بخت و کیدی لغت
 چه می یوند - از این امر را چنین دانسته که بر روی کتاب مقدم

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

ص ۲۴

تیسر از آنی دکله و محرم و بنیت حرکت را موجب وسعت مقدر معماران علم
 و حج بهم را که دارنایه . با بسیار از (آیه من کلم علیک ما هم یکره) بهار
 مانع از آنکه از این نوع عملیات بنیت خود را محرز خواهند نمود لایحه
 بنیت این بن بر حسب وظیفه و یا عمر و براس رفیع بود تقام و مشولیت و بعد از
 و در هسی و قانونی بدون اطلاع احدی از طرفین عمر از عیش و مطالب گنود
 را در هیچ وجه خارج از بنیت بعرض رسانند خاطر محرم اند و است مقدر
 را بکفر میدهم -

چنانچه وزارت عدلیه معارف مقصد بدانند با شماره کار عدلیه یک یک
 نامیز عالم بصیرت در احوام خوانند که در معاینه فرستاده از آنجا
 در فرض کتبهات نمایه - عاید از هر یک سو که چه مقدار خارج ثابت
 آن چه مبلغ است تا آن چه حاضر شده از زیاد کرد این هم گرفت
 بهایله جبار چه مقصد دارند - سابقه اعمال آنها عینت از معارف
 آنها از آنجا است موافق کدام اعتبار میخواهند احوال نمایه -
 تا می رود هر که در داد و غش باشد - یک نفر لایب شهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۴

۶ محرم ۴۱ [۷/۱۳ شهریور ۱۳۰۱]

مقام مقدس بندگان حضرت اشرف آقای مؤتمن‌الملک رئیس مجلس دام عظمته

مدهت‌هاست راه دزدی در ملایر مسدود و راه معابران غوافل به آسایش مشغول عبور و مرور و سلامت روی‌ها (قراسوارانی) شه‌میرزادی متروک. عده‌ای به نام امنیه پست دولتی را سرقت به جان و مال زوار رحم نمی‌کردند. به عناوین مختلفه مکاری‌ها را لخت می‌نموده [و] به مؤاخذه دولت وقعی نمی‌گذاذیم. از توجه حضرت سید الشهداء علیه‌السلام و در اثر تصمیم دولت به کیفر اعمال خود رسیده دست انتقام آن‌ها را بیکار و خانه‌نشین نموده و امنیه منحل گردید. نفرت اهالی نسبت به آنها فاش شد نظر به اینکه مال دزدی را وفا و بقایی ندارد و فاقد کلیه وسایل زندگانی شد برای مخارج روزانه معطل راه تحصیل معاش به روی آنها مسدود برای قوت لایموت به مصداق (الفریق یتثبت بکل حشیش) عده‌ای دیگر را از طریق غیر شرعی اقدام و قیام بر ضد حکومت ملی دسته‌بندی مساعدت با سالارالدوله [ناخوانا] با حکام جابر ظالم مکیدن خون فقرا ضعفا رعایا تهیه می‌شود و سابقه اعمال ننگ آورشان در رویه‌های وزارتخانه‌ها خصوصاً وزارت جلیله داخله ثبت و ضبط است در نتیجه همان اعمال کرا را به پای دار مجازات گسیل شده‌اند، منتها دولت ترجمه‌های مستوفی‌الممالک نجاتشان داده با خود هم دست نموده اخیراً اعمال ناپسند اشخاص مذکور تا درجه نزد امیر لشکر غرب مکشوف و به بروجرد احضار شدند. آقایان برای اینکه خود را شناسانند و یا گلی روی آفتاب مالیده باشند (به لباس میش ملبس شده) به نام معارف خواهی به نام طبقه سوم، به نام رنجبران، به نام سوسیالیست خود را معرفی کرده و هر روز به یک عده اشخاص که خداوند یک لقمه نان از راه کسب و ممر حلال به آنها را هم عمله می‌نماید.

من جمله این اوقات در مرحوم مغفور شاهزاده حاج سیف‌الدوله طاب ثراه مقداری از موقوفه خود را برای رفاهیت اهالی ثلث قرار داده و مصروف آن را تأسیس یک باب مریش‌خانه، یک باب مدرسه، یک باب خانقاه معین نموده و آقای صدرالممالک را که صداقت و امانت و دیانتشان در پیشگاه ملت و دولتیان معلوم و مشهود است وصی قرار داده و در سنه ماضیه ثلث مذکور را وصی مزبور امانی ضبط و فوائد و عوائد آن را پس از وضع مخارج لازمه به مصرف بنای مقبره (خانقاه) و تعمیر قنات پارک رسانده.

در هده سنه آقای هاشم آقای تاجر که دارای اعتبارات کاملی و از مجرای حلال و طریق تجارت امرار حیات و معاش می‌نماید، ثلث مذکور را به اضافه نمودن مبلغ گزافی (که کمتر از خمس عایدی سنه ماضیه نیست) از وصی مستقل در محضر حضرت مستطاب حجه الاسلام آقای بهبهانی تهرانی دامت برکاته اجاره می‌نماید.

پس از تصرف و امضاء مدت دو ماه از تاریخ اجاره و استجاره و مذاکلات کامله در رقبات موصوفه آقایان که در هفت آسمان یک ستاره ندارند به خیال تصرفات مالکانه به عنوان اجاره و اجاره برآمده غافل از اینکه اجاره عقیدست از عقود لازمه و قبل از انقضاء موعد برگشت ندارد علاوه صرفه و غبطه ثبت کاملاً رعایت شده پیشنهادی به مقام وزارت جلیله معارف تقدیم که ما حاضریم ثلث مرحوم حاج سیف‌الدوله را ضعف مال الاجاره مضره قبول و اجاره نمائیم.

وزارت جلیله معارف هم به خیال اینکه مرحوم مذکور ثلث خود را وقف نموده قبل از مراجعه به وصی و ملاحظه

متن وصیت نامه و مصارف معینه منظوره موصی جواباً دست خطی به آنها مرقوم که به آقای صدرالممالک مراجعه نمائید هرگاه پیشنهاده شما مورد قبول واقع نشد مستقیماً اقدام خواهد شد. رئیس اوقاف ملایر (آقا سید مسیح) هم عقبه همان جوایبه و به خیال استفاده بدون مراجعه به قوانین موضوعه و کسب تکلیف از وزارت متبوعه و بدون غور در اصل قضیه که آیا ممکن است در مملکت اسلام عقد لازم شرعی را لغو نموده به اغوای (منتظر الاجاره ها) فوراً اعلان مزایده داده و به وسیله قوای نظامی و بستگان خود ضبط و محصول املاک متعلق به ثلث را توقیف می‌نماید. معلوم است از این اقدام چه مقدار خسارت متوجه مستاجر بیچاره خواهد شد. آقایان (هوچی‌ها) برای گرفتن اجاره و تهیه ضامن معتبر به تجار همدان ملتجی پس از یاس از آنها در جستجوی رفیق و شریک برآمده شش نفر را برای تقسیم املاک و تملیک دائمی گدا زاده لقب (ناظم التجاری) و غیره به آنها داده و با خود همراه می‌نماید.

آقای هاشم آقا که تا این تاریخ ساکت نشست و میدان کارزار را تماشا می‌نمود برای رفع شبهه و عدم اضمحلال ثلث تلگراف وزارت معارف را به مراجعه متن وصیت‌نامه آقای صدرالممالک و نظر موصی تذکر می‌دهند و وزارت جلیله معارف هم به محض استحضار از مواضع و اطلاع از حال و کار مستاجرین جدید تلگرافاً رئیس اوقاف را از عملیات خودسرانه توبیخ و امر دائر بر عدم دخالت در امور ثلث می‌نمایند.

آقایان که تا این ساعت (قبل از وصول تلگراف) رقبات ثلث را ملک طلق موروثی خود می‌دانستند و دندان طمع را برای بردن و خوردن ثلث که باید فقرا نعمت الهی از اجور عایدات آن استراحت نمایند. ثلث زل باید اطفال بی بضاعت و ایتام در عوائد آن مدرسه تربیت می‌شوند. ثلث که بایست مرض [مریض] بی چیز از مال الاجاره آن در مرض خانه معالجه و پذیرایی شوند. ثلث که باید روح مرحوم حاج سیف‌الدوله را خشوند نماید تغییر کرده [و] دو شعر چهار شعر بین خود تقسیم کرده به طلب کارهای خود و عدم پرداخت قروض خود را از عایدی ثلث داده یک مرتبه برخلاف انتظار دست خودشان را کوتاه و مامورین توقیف (بنی اعمام رئیس اوقاف) را عودت کرده دیده از حالت طبیعی خارج شده جلسات خود را متواتراً تشکیل و در اطراف قضیه مشغول بحث و کشیدن نقشه های جدید می‌شوند. از قراین [ناخوانا] را چنین دانسته که به وسیله مکاتیب متعدده پیش اذهان و کلاء محترم و هیئت دولت را مشوب و ساحت مقدس علما اعلام و حجج اسلام را لکه‌دار نمایند. یا به عبارت آخر (آبی گل آلود کرده بلکه ماهی بگیرند) بیچاره‌ها غافل از اینکه از این نوع عملیات پستی طینت خود را محرز خواهند نمود لاغیر.

این است این بنده بر حسب وظیفه دیانتی و برای رفع سوء تفاهم و مسئولیت وجدانی و مذهبی قانونی بدون اطلاع احد الطرفین عشری از ائمه و مطالب مکشوفه را که به هیچ وجه جای تردید نیست به عرض رسانده خاطر محترم آن ذوات مقدس را تذکر می‌دهد.

چنانچه وزارت جلیله معارف مقتضی بدانند به استحضار آقای صدرالممالک یک نفر نماینده عالم و بصیر به ملایر اعزام فرمایند املاک را معاينه فرموده از اشخاص مطلع بی‌غرض تحقیقات نمایند. عایدی املاک مذکور چه مقدار مخارج ثابت آن چه مبلغ است آقایان چه اشخاصی هستند، از زیاد کردن این همه گزاف به مال الاجاره چه مقصدی دارند، سابقه اعمال آنها چیست، راه معاش آنها از کجا است، موافق کدام اعتبار می‌خواهند اجاره نمایند. تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد. [با امضا و مهر] یک نفر کاسب ملایری [به نام اصغر]



کمیسیون تحقیق
۱۳۰۷

مجلس شورای ملی ایران سید ابراهیم
 سید ابراهیم سید استبدادیه سلسله مشیومه قاجاریه که سید ابراهیم سید ابراهیم
 ظاهر خردمند و دراز مدت عدالت و عدالت نادرانه انصافت و انصاف
 که در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها
 و در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها
 که در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها
 در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها
 بهانه جوی بر سر در وقت در کارها و در وقت در کارها و در وقت در کارها
 بولطم تا بلاخره سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم
 که از ذکر آنها جانان خردمند خردمند خردمند خردمند خردمند خردمند
 عدالت و تمام ایران بنده گفتم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم
 و حاج سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم
 سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم
 شد است در تمام اقسام و در تمام اقسام و در تمام اقسام و در تمام اقسام
 مدبر سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم سید ابراهیم
 وقت و وقت و وقت و وقت و وقت و وقت و وقت و وقت و وقت و وقت
 توان منتظر نموده داشته اند تا که در تمام اقسام و در تمام اقسام

پیام بهارستان / ۲۵، س. ۲، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

۴

۹۸۶

حق و دوزخه او امانع نموده است. حالیکه کما حق الله تعالی علیه است. این حضرت پهلوی است که در آن
 نه اندرین بدالت خانه داور نیامند و ظلم نمیم بارم تا محسود بر نیسره از غرض
 بعد دوزخه مشیت این دوان شده تصدیق خود از خود نه بر بریت و خوش داشته دلی
 حد بر خوش میخیزم است عالم نابد و بلکه این جانب را هر دو سینه که بر بنسقم
 غیر نسقم میخیزم اندریم که در برابر استخوان این نمایندگان می مرآت فوق را بر دوزخه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۵

کمیسیون محترم عرایض

۱۸ اذر ۱۳۰۷

ساحت مقدس مجلس دارالشورای کبری ملی ایران شیداله ارکانه

پس از مدت‌ها سلطنت استبداد به سلسله میشومه [منحوس] قاجاریه که هم خودشان را مصروف خرابی دیگران و آبادی خود می‌نمودند اینک در لوای بسط عدالت و عملیات نادرانۀ اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران که بر حسب امر کردگار مقتدر توانا موفق باشند که این کاخ ظلم و استبداد مزمن گردیده متأسفانه بعض [ناخوانا] کوچک این شجره خبیثه قاجار که از دماء ملت ستمدیده آب خورده و نشو و نما نموده، هنوزش دست بی‌رحمی دراز است مثل اینکه این بنده و مرحوم والد میرفتاح شیخ‌الاسلام که در مدت نود سال در نتیجه دسترنج فلاحتی خود مالک قریه تین میشین و کمازان واقعه در ملایر شده در زمان حکومت استبداد به حاج سیف‌الدوله همه روزه به عناوین مختلفه و بهانه جویی برای پدر و خود اینجانب و رعایای این دو قریه در تحت شکنجه و عذابهای گوناگون بوده ایم تا بالاخره ثمن بخشی قریه تین مرقومه تین را از این جانبان به مقدمات‌های غیر مشروع که از ذکر آنها عجلتاً صرف نظر می‌نماییم خریداری نموده در سنوات اخیر که صیت [آوازه] مشروطیت و عدالت در تمام ایران منبسط گردیده است، دعاگویان در مقام استنقاد حقوق خود برآمده و حاج سیف‌الدوله از مجازات اعمال خود نسبت به سابق خائف برای اینکه مبادا سایرین مالکین بی‌زبان ملایر که قرار آنها را به زور حکومت استبدادی مالک و متصرف شده است در مقام انتقام و اخذ حقوق خود برآیند حاضر گردید و به استحضار محاضر شرعیه ملایر و تهران و به اطلاع عدلیه آن زمان و عموم اعیان قصبه دولت آباد پنج دانگ کمازان و هفت دانگ قریه میشین را با قباله معتبره شرعیه ثانیاً به این جانب به مبلغ هیجده هزار تومان منتقل نموده‌اند و از سنۀ انتقال تا کنون به تحریک بعضی از متنفذین محلی از تسلیم ملک خود به ورثۀ او امتناع نموده و می‌نمایند. حالیه که کاخ عدالت اعلیحضرت پهلوی ستمدیدگان را ندا می‌زند به عدالت خانه داور پناهنده و تظلم نموده باز هم آقای محمود میرزا نبیره آن مرحوم همه روزه متشیب به این و آن شده به عقیده خود در دوره بربریت و توحش و استبداد جد مرحومش می‌خواهد استفاده نماید و محاکمه این جانب را به هر وسیله مستقیم یا غیر مستقیم می‌خواهند عقیم بگذارند. برای استحضار نمایندگان ملی مراتب فوق را عرض می‌نمایم. [با امضای] اسداله